



شماره : 12

نشریه اسلامی

باسم تعالی

ذکر

تاریخ: 2013/5/25

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

خاص برای دانشجویان

## (تخلف)

با وجودیکه مسلمانان نخستین (صدر اسلام) اقلیت بودند، همه مورخین اتفاق دارند که دولت اسلامی، قویترین و با ثبات ترین اداره وقت را آنهم برای مدت مدید و قرون طویل تشکیل میداد.

ولی امروز چرا استضعاف دامنگیر جوامع اسلامی شده است؟ ولی امروز چرا پنجه های استعمار فرهنگی و سیاسی و نظامی به خون (امت) آغشته است؟

برخی برآنند که عدم پیشرفت و ترقی در عرصه های علوم و فنون نظامی و مادی، علت تخلف و عقب

ماندگی ماست، پس اگر این خالیگاه پر شود امت اسلامی یک بار دیگر به مجد و عزت اصلی عودت

خواهد نمود، زیرا از نظر این گروه، حیات با عزت از آن کشورهای است که مالک صنایع و تکنالوژی

(Technology) اند.

آنها باید تفهیم و تنویر شوند که **همه ارزش ها و عزت ها و پیروزی ها زائیده ایمان آگاهانه است،**

الله سبحانه و تعالی می فرماید: [وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ] (عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و

مؤمنان است) سوره المنافقون-8

باید خاطر نشان ساخت که مسلمانان صدر اسلام زمانیکه دو ابر قدرت آنزمان یعنی فارس و روم را فتح

کردند و شکست دادند به علت پیشرفت نظامی و تکنالوژی نبود، زیرا اصلاً در این زمینه ها با آنان

(ابر قدرت های وقت) غیر قابل مقایسه بودند، و همه پیشرفت های مسلمان در ساحة ساینس (science)

بعد از فتوحات بود و تاریخ شاهد مثالهای زیادی از این قبیل است بنابراین رابطه ای میان (تفوق نظامی) و

(نصرت عسکری) وجود ندارد، هر چند ممکن است احیاناً قدرت نظامی دولتها را در اعداد وسایل متطور

حربی مساعدت نماید ولی قوت و قدرت نظامی مهمترین دلیل و سبب فتوحات نبوده است، و **در نبرد حق**

**و باطل، کامیابی های میدانی را از بازوی خود دانستن، ساده لوحی جنگجویان بوده که آغاز یک نهایت**

**فاجعه آمیز می باشد.**

الله متعال می فرماید: [فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ] (( ای مؤمنان ! ) شما کافران را ( با قوت و قدرت خود در نبرد بدر ) نکشتید ، بلکه خدا ( با پیروز نمودنتان بر آنان و افگندن هراس به دلپاشان ) ایشان را کشت . و ( ای پیغمبر ! بدان گاه که مشت‌های خاک به طرف آنان پرتاب کردی و خاک به چشمان ایشان فرو رفت ، در اصل این تو نبود که ( خاک را به سوی آنان ) پرتاب کردی ( چرا که مشت‌های خاک از حیث کمیت و کیفیت آن توانایی را ندارد ) بلکه خداوند ( آن خاک را تکثیر و به سوی ایشان ) پرتاب کرد ( و به چشمان آنان رساند ) تا بدین وسیله مؤمنان را خوب بیازماید ( و با اعطاء خوبیها آزمایششان نماید ) . بیگمان خداوند شنوای ( دعا و استغاثه مؤمنان بوده و از صدق و اخلاص ایشان ) آگاه است. (سوره الأنفال- 17

و همچنان: [وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ] (خداوند این ( امداد با فرشتگان ) را تنها برای مرده‌دادن ( پیروزی ) به شما و آرامش پیدا کردن دل شما به آن کرد ، وگرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست ( و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است ) . بیگمان خداوند ( بر هر کاری ) توانا ( و کارهایش ) از روی حکمت است. ( الأنفال- 10

و همچنان: [قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلِهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ] (در دو دسته‌ای که ( در میدان جنگ بدر ) با هم روبرو شدند ، نشانه‌ای ( و درس عبرتی ) برای شما است . دسته‌ای در راه خدا می‌جنگید ( و برای اعلاء فرمان خدا و انتشار دین حق می‌رزمید ) و دسته‌ای دیگر کافر بود ( و در راه اهریمن هوی و هوس نبرد می‌کرد . چنین کافرانی ) مؤمنان را ( بخواست خدا ) با چشم خویش دو برابر ( تعداد واقعی ) خود می‌دیدند ( و بدین سبب ترس و هراس بر آنان چیره شد و گریختند ) و خداوند هرکس را بخواهد با یاری خود تأیید می‌کند ( و پیروزی را نصیب او می‌گرداند ) . بیگمان در این امر عبرتی برای صاحبان چشم ( بینا و بینش راستین ) است . ( آل عمران- 13

**پس مبارز با بصیرت از وفرت مخالفین، مرعوب نمی شود، بلکه با کمال استقامت به خدا پناه برده و با امید طفر و نصرت الهی میدان را دگرگون می کند.**

ذیلاً حقانیت و مقبولیت و منقبت مؤمنانی صورت گرفته است که در عبادات بدنی و مالی از هیچگونه

سعی دروغ نمی ورزند و همچنان جوامع بشری را امر به معروف و نهی از منکر می نمایند که مورد نصرت الهی واقع می شوند. [الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ يَغَيْرُ حَقًّا إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَبِيَعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ، الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ

الأمور] (همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود اخراج شده‌اند ( و از مکه و ادبار به هجرت گشته‌اند ) و تنها گناهشان این بوده است که می‌گفته‌اند پروردگار ما خدا است ! اصلاً اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند ( و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری نماید ، باطل همه‌جاگیر می‌گردد و صدای حق را در گلو خفه می‌کند ، و آن وقت ) دیرهای ( راهبان و تارکان دنیا ) و کلیساهای ( مسیحیان ) و کنشتهای ( یهودیان ) ، و مسجدهای ( مسلمانان ) که در آنها خدا بسیار یاد می‌شود ، تخریب و ویران می‌گردد . ( اما خداوند بندگان مصلح و مراکز پرستش خود را فراموش نمی‌کند ) و به طور مسلم خدا یاری می‌دهد کسانی را که ( با دفاع از آئین و معابد ) او را یاری دهند . خداوند نیرومند و چیره است ( و با قدرت نامحدودی که دارد یاران خود را پیروز می‌گرداند ، و چیزی نمی‌تواند او را درمانده کند و از تحقق وعده‌هایش جلوگیری نماید ) . ( آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است ) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم ، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند ، و امر به معروف ، و نهی از منکر می‌نمایند ، و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد ( و بدانها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد ، همان گونه که آغاز همه کارها از ناحیه خدا است ) . (سوره الحج- 40-41)

آیات فوق الذکر دلالت به این دارد که آنهائیکه نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند از نصرت خداوند جل جلاله بی بهره اند.

قبل از آنکه در این زمینه سوء فهم رخ دهد باید خاطر نشان ساخت که ما هرگز مخالف ساینس (science) و تکنالوژی (Technology) و قوت و قدرت نظامی نیستیم بلکه ضرورت مبرم و مطلوب و مرغوب فيه می باشد، ولی این را هم باید بدانیم که ضعف و انهزام و هزیمت ما بنا بر تخلف و عقب ماندگی در ساحة نظامی و تکنالوژی نبوده، بلکه به جهت عدم امتثال از اوامر و عدم اجتناب از نواهی الهی می باشد، و اینکه الله متعال می فرماید: [ وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ

لَا تُظَلْمُونَ] (برای ( مبارزه با ) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی ( مادی و معنوی ) و ( از جمله ) اسبهای ورزیده آماده سازید ، تا بدان ( آمادگی و ساز و برگ جنگی ) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید ، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد . هر آنچه را در راه خدا ( از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی ) صرف کنید ، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه ستمی نمی‌بینید. ) الانفال-60

آیت فوق الذکر هم در دایره امتثال از اوامر عمل می‌گردد، و باید دانست که در آیت مذکور امر شده ایم تا به اندازه استطاعت و توانایی (قوة) آماده کنیم، و بشکل خاص (قوت نظامی) ذکر نشده است، بلکه (نکره) گذاشته شد، و چنانچه نزد اهل اختصاص و ادب معروف است، (نکره) (عموم) را افاده می‌کند، در این صورت مفهوم کلمه (قوة) هر نوع قوت و نیرو می‌باشد که در آن قوت ایمانی و نظامی و همه علوم و فنون ساینس و تکنالوژی شامل می‌گردد.

پس نتیجه این شد که به قرآن و سنت رجوع نمائیم تا به مجد و شرف و عزت و همه سعادت های دنیوی و اخروی نایل آئیم، نخست فهم صحیح از دین حاصل شود، همانگونه فهمی که در عصر فرخنده رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان اصحاب رضی الله عنهم عام بود، و همان فهمی که سلف صالح امت داشتند، و علمای امت تبلیغ و ارشاد می نمایند با این ذهنیت که **مخالفت اجماع امت نفاق است که** **نقشه آنرا ابلیس طرح ریزی و منافق عملی می کند** و از (سئل) و راههای غیر ثابت اجتناب شود تا اتباع و پیروی صراط مستقیم میسر گردد.

[قال ابن مسعود رضی الله عنه : خط لنا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاً، و قال: هذا سبیل الله، ثم خط خطوطاً عن یمنه و عن يساره، و قال: هذه سئل، علی کل سبیل شیطان یدعو إلیه، ثم قرأ:] [ و أن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه، و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم و صاکم به لعلکم تتقون ] (ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای ما خطی کشید و فرمود: این راه خداست، پس خط های به طرف راست و چپ آن کشید، و فرمود: این راههاست، بر هر راه شیطانی بسوی آن دعوت می کند، سپس قرائت نمود: ( و أن هذا صراطی مستقیماً ..... و هر آینه این راه من است راه راست، پس پیروی کنید آن راه را، و مکنید پیروی راههای دیگر را که (این راهها) جدا گرداند شما را از راه خدا این حکم فرموده است شما را تا پرهیزگاری کنید.) حدیث صحیح که شیخ البانی

آنها در تخریح شرح الطحاویة تصحیح نموده و شماره آن (810) می باشد و آیت مذکور در حدیث شریف از سوره الانعام (153) می باشد.

این نکته قابل ملاحظه است که نباید امری از اوامر و یا نهی از نواهی را به علت عمل نکردن امر و یا وقوع در نهی مخصوصی انکار نمود، زیرا انکار چیزی ثابت در اسلام به کفر می انجامد، بلکه بر مسلمان واجب است که هر گاه فعل محرمی را مرتکب شد، و یا فرض و واجبی را ترک کرد، استغفار و توبه نموده، در اصلاح نفس سعی ورزد و دعا نموده از الله جل جلاله التماس نماید که در اجتناب از محرم و عمل به فرض و واجب برایش یاری و توفیق عنایت فرماید، و ستر نموده از مجاهرت و اشاعه آن پرهیز کند زیرا در اعلان کردن معصیت، استخفاف و توهین به حق خدا و رسول و مومنان بوده نوعی عناد و سرکشی می باشد، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث صحیح می فرماید: [ کل أمتی مُعافی إلا المجاهرین، و إن من المجاهرة أن يعمل الرجل باللیل عملاً، ثم یصبح و قد ستره الله علیه فیقول: یا فلان عملت البارحة كذا و كذا، و قد بات یستره ربه، و یصبح یكشِفُ ستر الله عنه ] (همه اتمم مورد عفو قرار می گیرند، مگر اعلان کنندگان، و از زمره اعلان اینست که مرد در شب عملی را انجام دهد و باز صبح کند، در حالیکه شب را سپری کرده و خداوند آنها بر وی پوشیده و او صبح کرده و آنچه را که خدا پوشیده داشته، ظاهر می کند).  
و باید دانست که دعوت اسلامی از مهمترین مسئولیت های امت می باشد، و امر به معروف و نهی از منکر از جمله عظیم ترین اعمال دعوت به شمار می رود، در حدیث شریف چنین وارد است: [ عن حذیفة رضی الله عن النبى (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: والذى نفسی بیده لتامرّن بالمعروف، و لتنهون عن المنکر، او لیوشکن الله أن یبعث علیکم عقاباً منه، ثم تدعونہ فلا یستجاب لکم ] (از حذیفة رضی الله عنه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود: سوگند بذاتی که جانم در دست (بلاکیف) اوست همانا به کارهای پسندیده امر نموده، و از کارهای ناپسندیده منع می کنید، یا نزدیک است که خداوند بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و دعای شما اجابت نگردد)  
رواه الترمذی  
بلی امر به معروف و نهی از منکر از واجبات دینی است که باید هر مسلمان در این واجب اسلامی سهم فعال داشته باشد، و نخست از خود آغاز کند، ولی این به آن معنی نیست که یک شخص پس از آنکه از جمیع معاصی کاملاً منزّه و پاک شد، در مرحله بعدی به دعوت و اصلاح دیگران مبادرت ورزد، بلکه باید به قدر استطاعت با نفس خود جهاد نموده و در اصلاح جامعه نیز با کمال اخلاص سعی بلیغ ورزد که در این

صورت آثار نصرت این مبارزه پیگیر مخلصانه اصلاحی را در وجود خود و جامعه مشاهده خواهد نمود، زیرا  
مبارز هر چه مخلص تر است چشم براه تر است.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

دکتر نهضتیار خطیبی

